

متن پرسش

سلام علیکم: استاد عزیز در یادداشت اخیر بنام نکات حساس انتخابات پیش رو، فرمودید اگر بطرف نامزدهایی برویم که به آرمانهای انقلاب معتقدند ولی شعارهای تند می‌دهند که فعلا قابل تحقق نیست، از نظر عمومی مردم و افرادی که شاید بظاهر آنطور انقلابیگری ندارند، غافل می‌مانیم. چندبار این جمله تان را مطالعه کردم ولی هنوز کمی برایم ابهام دارد. سخن حقی است که برای تحقق اهداف انقلاب عزیز، باید اهداف را بصورت منظم و منسجم تقسیم بندی و نظام مندی کرد و این از ضرورت‌های تداوم انقلاب است و حقیقتا مهم است و از طرفی اهانت و تخریب مانند آنچه در راهپیمایی ۲۲ بهمن امسال که توسط برخی اتفاق افتاد، در شان نیروهای گفتمان ساز انقلاب نیست. اما استاد آیا حالا در گام دوم و در آستانه اولین دولت در این گام که گام دوم به فرموده رهبر و قائد بزرگوارمان، حرکت متعالی بسوی تمدن نوین اسلامی است، آیا صلاح است از تحلیل نامزدها بر اساس گفتمان تمدنی و نوع مواجهه آنها با مدرنیسم غافل شویم؟ به نظر حقیر، یکی از اصلی‌ترین عللی که سبب می‌شود افرادی علیرغم قلب و فطرت انقلابی و توحیدی شان، در ظاهر و نسبتا تحلیلهایشان هنوز نظر به تمدن غربی و عالم تجدد داشته باشند، اجرای همین الگوهای شبه مدرن و توسعه غربی در طول این چهار دهه در لوای عناوین مختلف بوده است که سبب ایجاد مخاطرات و خطرهای جدی برای انقلاب و ملت شده است و بعضا بدبینی به اصل انقلاب را بوجود آورده. البته عبور از تمدن غرب مرحله به مرحله و نیاز درک نفحات الهی دوران است که ما هنوز به آن تذکر و توجه کافی نداریم ولی آیا حساسیت دولت آینده در این حد نیست که شخصیتی به صحنه بیاید که با نگرش تمدنی و با باور عمیق به اداره و تقنین جامعه بر اساس دین مبین و نظام فکری مطهر، الگوها و راهبردهای بدیل معیشتی و فرهنگی و اجتماعی برای اداره جامعه ارائه بدهد و نیتش گذار حکیمانه از شبه مدرنیته ایرانی و توسعه غربی باشد که در ابعاد مختلف در حال اجراست و ما را از اقامه مبانی تشیع و انقلاب اسلامی محروم نموده و حتی بعضا تحقق آرمانها را برای ما مبدل به نگرانی جدی ساخته است. مگر آقای احمدی نژاد هم روزی از شعائر اصیلی مانند دولت اسلامی و عدالت اجتماعی و ولایت محوری و مردم‌داری و حراست از آرمانهای نهضت نمی‌گفت و انصافا نسبتا در مقابله با آثار شوم توسعه مدرن و انحرافات ساختاری که مع الاسف پس از انقلاب هم تداوم داشت و ویژه با دولت سازندگی تشدید شد، توفیقی نداشت؛ پس چرا ناموفق و در راه مانده و زمین گیر شد و به کامیابی نرسید و امروز چنین وضعیت بغرنجی دارد. جز این است که آقای احمدی نژاد با همه پرکاری و نکات مثبتی که داشت، الگوی بدیل نداشت و تلاشش بر حل آسیب‌های جامعه و رشد اوضاع عمومی متکی بر الگوی نشات

گرفته از مبانی اسلام و تشیع و شرایط ایران اسلامی نداشت. امروز ما بسیار بیشتر در عرصه جنبش نرم افزاری و الگوی اسلامی پیشرفت جلو رفته ایم و بحمدالله علیرغم اینکه هنوز شروع جنبش نرم افزاری و نظریه پردازی برای تمدنی توحیدی، جوان و مانند نهال تازه رشد یافته هستیم ولی در همین مدت به نظریات و برنامه های با نگرش تمدنی بسیار خوبی رسیدیم. و حضرتعالی هم آگاهید که واقعا جای تکرار و تداوم همان الگوهای معیوبی که در این ۴۲ ساله حرکت ما را در تحقق آرمانخواهی شیعی انقلابی و در زمینه سازی برای هدف والای ملک مهدی (عجل الله فرجه) کند کرده است، نیست و فرصت آن است با حضور نیروهای تراز انقلاب اسلامی در مصادر اجرایی، گفتمان جمهوری اسلامی در بین مردم هم بصورت هر چه گسترده تر بسط یابد و کارگزاران نظام اسلامی تبدیل به حلقه میانی حاکمیت نظام و امت شوند و تبلور خصائل انقلابیگری. البته حضرتعالی هم بیش از من بر این عرایض حقیر واقفید و سالها دغدغه تمدن زایی شیعی را داشتید و جانانه از غفلت از حضور مسئولین تراز انقلاب اسلامی، فرمودید. تنها عرضم این بود که صحیح است که تحقق اهداف انقلاب، فرآیندی و مدت دار و نیازمند صبر است ویژه مقابل تمدن ریشه دار در تاریخ چند قرنی و جهانی شده مدرنیته و البته نباید از شخصیتی با نگاه تمدنی و ضدیت با توسعه مدرن و مشتاق اجرای الگوهای دینی برای اداره جامعه با نگاهی عمیق و متفکرانه ویژه در شرایط خطیر انقلاب اسلامی و جهان که آن بشارت شهید آوینی مبنی بر آغازی بر پایان تمدن غرب و طلوع فجر توحید آغاز شده است، غافل شد. و به نظرم اگر چنین شخصی به صحنه بیاید و برنامه های مشخص شود، نظرات زیاد را به خود جلب می کند و مسیر حرکت انقلاب اسلامی را تسریع خواهد کرد. البته ما به مدد حضرت حق و لطف امام مان حضرت صاحب الزمان (عج) از تنگناهای بزرگی رد شدیم و گذار کردیم و یقیناً حضور در گام دوم و مسیر تمدن سازی نیز از الطاف خاصه الهی و امام عصر بوده و ما را در این برهه مدد خواهد فرمودند و میدان انتخابات را عرصه کسب بصیرت تاریخی ما خواهد شد که اگر روزی معاندان و جریان نفاق به فکر عدم انقلاب در همان ماه های اولیه بودند، امروز در مقابل مقیاس جهانی انقلاب و ولایت فقیه و بحرانهایی که نشانه اجل لکوم قوم هست، عاجزند و همانا: «تلك الايام نداولها بين الناس»

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همان طور که متوجه هستید، بحمد الله انقلاب اسلامی افقی را مقابل بشر امروز قرار داده که غرب زدگان و متحجرین بخواهند یا نخواهند، مردم در صدد تحقق آن افقها هستند حتی قشر خاکستری کشور. و اگر نامزدی برای ریاست جمهوری در این راستا به صحنه آید، مردم با تجربه ای که از دولت های امیدوار به حضور جهان مدرن پیدا کرده اند به او رجوع خواهند کرد و با حضور در آرزوهای جهان مدرن که آرزوهای وهمی است می یابند که هیچ آبی از آن حضور و آن جریانها برای مردم گرم نمی شود. باید سخت به این نکات مردم را توجه داد و از این جهت باید به انسانی جهت مسئولیت اجرایی این کشور فکر کرد که به آن چنان حکمتی رسیده باشد و البته این غیر

از آن افرادی‌اند که آرمان‌های انقلاب را قبول دارند ولی حکمت رسیدن به آن آرمان‌ها را در دل تاریخی که هستیم ندارند. یعنی برای آباد کردن دهی، ممکن است شهری را خراب کنند زیرا بالاخره کلیت حضور جهانی انقلاب در این تاریخ اصل است و بنده معجزه‌ی مدیریت رهبر انقلاب را در این تاریخ، همین می‌دانم و به همین جهت اگر رهبر انقلاب با انحرافات که دولت‌های غربی به خصوص دولت آقای هاشمی ایجاد کرده‌بودند مستقیماً برخورد می‌نمودند، ممکن بود ما در این زمان بعضی از این باند بازی‌ها و بی‌عدالتی‌ها را نداشته باشیم ولی مشغول اختلافات داخلی می‌شدیم و دیگر انقلاب با این وسعت جهانی خود در صحنه نبود در حالی که با چنین حضوری که هم‌اکنون انقلاب دارد، به راحتی بالاخره از این مشکلات جزئی عبور می‌کند. رئیس‌جمهور آینده باید چنین حکمتی در کنار شعارهای انقلاب در خود داشته باشد و مردم نیز متوجه چنین افرادی باشند و البته کار آسانی نیست. همان‌طور که رهبر انقلاب فرمودند افسران جنگ نرم باید در فضای مجازی این موارد را نیز متذکر شوند. موفق باشید